

پژوهشکده شورای نگهبان
گزارش استدلالی



نظرات استدلالی شورای نگهبان

در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی

لایحه شوراهاى حل اختلاف

پژوهشکده شورای نگهبان

باسمه تعالی

نظرات استدلالی شورای نگهبان

در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی

لایحه شوراهای حل اختلاف (اعاده شده)



تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۳/۳۱

کد گزارش: ۱۴۰۰۰۱۷۰

تاریخ نظر شورای نگهبان: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲



پژوهشکده شورای نگهبان

لایحه شوراهای حل اختلاف (اعاده شده)

درباره‌ی مصوبه

برخی از مواد لایحه‌ی دو فوریتی شوراهای حل اختلاف که در مرحله‌ی اول در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود، پس از بررسی در جلسات مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۸ و ۱۳۹۹/۱۱/۱۵ شورای نگهبان، مغایر با شرع یا قانون اساسی تشخیص داده شد.

حال مجلس در مرحله‌ی دوم و در راستای رفع ایرادات مذکور شورا، مصوبه‌ی اصلاحی که در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۳۱ به تصویب رسیده است را به موجب نامه‌ی شماره ۳۵۴/۲۷۷۱۳ مورخ ۱۴۰۰/۴/۶ به شورای نگهبان ارسال کرده است.

این شورا با بررسی مصوبه‌ی اعاده شده در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱۶، همچنان برخی از اشکالات سابق را باقی دانست و نظر خود در این خصوص را از طریق نامه‌ی شماره ۱۰۲/۲۶۸۳۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۲۲ به رئیس مجلس شورای اسلامی ابلاغ کرد.

«نظرات شورای نگهبان در خصوص لایحه شوراهای حل اختلاف (اعاده شده)»

ماده ۳- ...

تبصره ۱- ...

[تبصره (۲) ماده (۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

تبصره ۲- برای رسیدگی به امور فنی و صنفی در دعاوی و شکایات فی مابین اصناف، شوراهای حل اختلاف تخصصی قابل تشکیل است. در صورت تشکیل شوراهای تخصصی مذکور و عدم رد صلاحیت تخصصی خود، دعاوی مربوط منحصراً در این شعب بر اساس احکام این قانون رسیدگی می‌شود. همچنین برای رسیدگی به دعاوی و شکایات مربوط به احوال شخصیه فی مابین اقلیت‌های دینی موضوع اصل سیزدهم (۱۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ترتیب مقرر در این قانون، شوراهای حل اختلاف تخصصی قابل تشکیل است که تشکیل این شوراها مانع از مراجعه اقلیت‌های دینی مذکور به دیگر شوراهای حل اختلاف همان حوزه قضایی نیست.

دیدگاه عدم ابهام

تبصره (۲) سابق، تشکیل شعب تخصصی شوراهای حل اختلاف برای مراجعه‌ی پیروان اقلیت‌های دینی را مقرر می‌کرد. حکم مذکور از این حیث که روشن نبود آیا اقلیت‌ها را ملزم به مراجعه‌ی انحصاری به شعب تخصصی کرده بود یا مراجعه‌ی آنها به شعب عمومی را نیز ممکن دانسته بود، از سوی شورای نگهبان واجد ابهام شناخته شد. حال که قانون‌گذار بالصراحه در ذیل تبصره (۲) اصلاحی تشکیل شوراهای تخصصی را «مانع از مراجعه اقلیت‌های دینی مذکور به دیگر شوراهای حل اختلاف» ندانسته است، ابهام فوق مرتفع شده است.

■ نظر شورای نگهبان

تبصره (۲) ماده (۳)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

* * *

■ ماده ۴-

[در ماده (۴) عبارت «رئیس مرکز» به عبارت «رئیس قوه قضائیه» اصلاح می شود.]
ریاست شوراهای حل اختلاف استان بر عهده یکی از معاونان قضایی رئیس کل دادگستری استان و ریاست شوراهای حل اختلاف در حوزه قضایی شهرستان و بخش بر عهده رئیس حوزه قضایی مربوط یا یکی از قضات شاغل در آن حوزه قضایی است که با معرفی رئیس کل دادگستری استان و ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می شود.
تبصره - حذف شد.

■ دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در ماده (۴) پیشین مقرر کرده بود ریاست شوراهای حل اختلاف در حوزه قضایی شهرستان و بخش، با ابلاغ رئیس مرکز حل اختلاف منصوب شود. شورای نگهبان این حکم را مغایر وظایف مصرح رئیس قوه قضائیه در اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخت. اما ماده (۴) اصلاحی، ابلاغ حکم قاضی شاغل در حوزه قضایی برای ریاست شوراهای حل اختلاف شهرستان و بخش را بر عهده رئیس قوه قضائیه نهاد است و به این ترتیب اشکال فوق منتفی شده است.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۴)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵- ...

تبصره ۱- ...

[در تبصره (۳) ماده (۵) عبارت «تأمین نیروی انسانی مورد نیاز بر عهده صنوف محل استقرار شورا می‌باشد.» به عبارت «تأمین کارکنان اداری و خدماتی مورد نیاز شوراهای مذکور در صورت امکان بر عهده نهادهای محل استقرار شورا می‌باشد. کارکنان مذکور با معرفی نهادهای محل استقرار و حکم مرکز منصوب شده و تأمین هزینه‌های کارکنان مذکور و تأمین مالی و پشتیبانی از این کارکنان بر عهده نهادهای محل استقرار است.» اصلاح می‌شود.]

تبصره ۳- در شوراهایی که به صورت تخصصی در اتحادیه‌های صنفی و یا اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و اتاق تعاون ایران و نظیر آنها مستقر هستند، تأمین کارکنان اداری و خدماتی مورد نیاز شوراهای مذکور در صورت امکان بر عهده نهادهای محل استقرار شورا می‌باشد. کارکنان مذکور با معرفی نهادهای محل استقرار و حکم مرکز منصوب شده و تأمین هزینه‌های کارکنان مذکور و تأمین مالی و پشتیبانی از این کارکنان بر عهده نهادهای محل استقرار است.

دیدگاه عدم ابهام

«تأمین نیروی انسانی» شوراهای تخصصی در تبصره (۳) سابق از وظایف اتحادیه‌های صنفی و اتاق‌ها شمرده شده بود. اما از این منظر که مشخص نبود مقصود قانون‌گذار از عبارت «تأمین نیروی انسانی» دقیقاً شامل چه نیروهایی است و این نیروها ارتباط استخدامی با قوه قضائیه پیدا می‌کنند یا اصناف، دارای ابهام شناخته شد. حال که قانون‌گذار در مصوبه‌ی اصلاحی، این نیروها را شامل «کارکنان اداری و خدماتی مورد نیاز شوراها» معرفی کرده است و تصریح کرده است که «تأمین مالی و پشتیبانی از این کارکنان بر عهده نهادهای

محل استقرار است) و قوه قضائیه تنها وظیفه انتصاب اشخاص در سمت‌های مزبور را بر عهده دارد، ابهام پیشین شورا برطرف شده است.

■ نظر شورای نگهبان

تبصره (۳) ماده (۵)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵ مکرر -

[به منظور رفع ایراد (۲-۴) شورای نگهبان، ماده (۵ مکرر) به شرح زیر اصلاح می‌شود

و با اصلاح ماده (۲۳) ایراد ردیف (۱-۴) نیز مرتفع می‌شود:]

مرکز مکلف است ظرف پنج سال از میان اشخاصی که واجد شرایط استخدام هستند،

نیاز شوراهای حل اختلاف به کارکنان تمام وقت (اعم از اعضاء و سایر کارکنان)

را با الویت سابقه اشتغال بیشتر و همکاری با شوراها، به صورت پیمانی استخدام یا

به صورت قرارداد کار معین از طریق آزمون عمومی و تخصصی، به کارگیری نماید.

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- منابع مالی مورد نیاز برای استخدام موضوع این ماده، از محل اعتبارات

مصوب مرکز و همچنین از محل درآمدهای اختصاصی موضوع ماده (۴۳) این قانون!

۱. ماده (۴۳) مصوبه‌ی حاضر: «ماده ۴۳- درآمد حاصل از هزینه دادرسی و نیم‌عشر اجرایی گزارش اصلاحی موضوع این قانون و سایر موارد قانونی به خزانه‌داری کل کشور واریز و معادل صد درصد (۱۰۰٪) مبلغ واریزی از محل اعتبار خاصی که به همین منظور هر ساله در قانون بودجه کل کشور منظور می‌شود به عنوان درآمد اختصاصی به شوراها اختصاص داده می‌شود. دولت مکلف است معادل مبالغ پیش‌بینی شده در قانون بودجه هر ساله کل کشور را پرداخت نماید تا در موارد زیر هزینه گردد:

۱- پرداخت حقوق و پاداش

۲- هزینه ساخت، اجاره و تعمیرات ساختمان و تجهیزات و هزینه‌های اداری با تشخیص مرکز

۳- بیمه تأمین اجتماعی کارکنان استخدامی»

و افزایش درآمدهای حاصل از اجرای مواد (۱۳) و (۲۳) این قانون! تأمین می‌شود.

تبصره ۳- ...

■ دیدگاه مغایرت

مجلس شورای اسلامی در ماده (۵) مکرر سابق، حکم استخدام کارکنان شوراهای حل اختلاف را به لایحه‌ی تقدیمی دولت افزوده بود و محل جبران بار مالی تحمیل شده بر دولت را قید «در سقف اعتبارات مصوب» در تبصره (۲) سابق معرفی کرده بود. شورای نگهبان محل ذکر شده برای جبران بار مالی ناشی از استخدام را قابل قبول تشخیص نداد و حکم فوق را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی اعلام کرد. حال مجلس شورای اسلامی در راستای رفع اشکال فوق در مصوبه‌ی اصلاحی، درآمدهای اختصاصی ماده (۴۳) این مصوبه و افزایش درآمدهای ناشی از اجرای مواد (۱۳) و (۲۳) مصوبه‌ی حاضر را به عنوان منبع جدیدی برای جبران بار مالی پیش‌گفته مقرر کرده است. اما با وجود اصلاحات صورت گرفته، همچنان اشکال سابق شورا به قوت خود باقی است؛ توضیح اینکه اعتبارات فوق نمی‌تواند منبع جدید و پایداری برای جبران بار مالی مذکور تلقی شود چرا که ممکن است با افزایش احتمالی مراجعات مردم به شوراها، افزایش مقطعی درآمدهای آنها را شاهد باشیم، اما این درآمد ممکن است در آینده نیز به هر دلیلی با کاهش چشم‌گیری مواجه شود. بنابراین منابع پیش‌بینی شده، منبع جدید و پایداری برای هدف دائمی استخدام کارکنان محسوب نمی‌شود و اشکال اصل (۷۵) بر مصوبه‌ی اصلاحی نیز وارد است. مؤید

۱. مواد (۱۳) و (۲۳) مصوبه‌ی پیش‌رو: «ماده ۱۳- اتخاذ تصمیم در موارد زیر در صلاحیت شورا است:

۱- صدور گواهی حصر وراثت در مواردی که موضوع مورد اختلاف بین وراث نباشد.

۲- تأمین دلیل

تبصره ۱- ...

ماده ۲۳- هزینه رسیدگی شوراهای حل اختلاف در کلیه مراحل، در دعاوی کیفری و دعاوی حقوقی غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی هزینه دادرسی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه دادرسی در محاکم دادگستری است.»

استدلال فوق آن است که شورای نگهبان در رویه‌ی سابق خود ضمن بررسی ماده (۱) طرح ساماندهی کارکنان قراردادی دانشگاه پیام نور،^۱ استخدام از طریق منابع تخصیصی دانشگاه مذکور را به سبب اینکه منابع پیش گفته، منابع جدید و پایداری محسوب نمی‌شد، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی شناخت.^۲

«دیدگاه عدم مغایرت

قانون‌گذار در ماده (۵) مکرر سابق، استخدام کارکنان شوراهای حل اختلاف را از طریق برگزاری آزمون داخلی بین افراد دارای سابقه‌ی کار در این شوراهای مقرر کرده بود. شورای نگهبان حکم پیش گفته را از این منظر که استخدام را تنها مقید به اشخاصی کرده بود که سابقه‌ی اشتغال در شوراهای داشته باشند، مصداق تبعیض ناروا و مغایر با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی شناخت. مجلس شورای اسلامی در راستای تأمین نظر شورای نگهبان، برگزاری آزمون داخلی را از ماده (۵) مکرر اصلاحی حذف و تنها اولویت استخدامی برای افراد دارای سابقه‌ی همکاری با این شوراهای مقرر کرده است و در نتیجه اشکال سابق شورا در این خصوص مرتفع شده است.

«نظر شورای نگهبان

۱- در ماده (۵) مکرر، ایراد مذکور در بند (۱-۴) این شورا، علی‌رغم اصلاح به عمل آمده

۱. ماده (۱) طرح ساماندهی کارکنان قراردادی دانشگاه پیام نور مصوب ۱۳۹۸/۹/۲۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- کلیه کارکنان قراردادی انجام کار معین که دارای حداقل ده سال سابقه خدمت و پرداخت حق بیمه در دانشگاه پیام نور هستند و رابطه قراردادی آنها تا زمان لازمالاجراء شدن این قانون استمرار دارد، با رعایت شرایط زیر به پیمانی تبدیل وضعیت می‌شوند:

الف- ...

د- تأمین اعتبار لازم از طریق منابع تخصیصی دانشگاه به نحوی که هیچ‌گونه بار مالی جدیدی ایجاد نکند.

ه- ...»

۲. بند (۱-۱) نامه‌ی شماره ۹۸/۱۰۲/۱۴۹۴۹ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۸ شورای نگهبان: «با توجه به اینکه اجرای این مصوبه منجر به افزایش هزینه‌های عمومی خواهد شد و طریق مذکور در بند (د) ماده (۱) نیز به عنوان طریق تأمین افزایش هزینه‌های جدید به حساب نمی‌آید، مفاد این ماده مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»

کماکان به قوت خود باقی است.

تذکر: ۱- در ماده (۱)،^۱ واژه «الویت» به «اولویت» اصلاح گردد.

* * *

ماده ۶-

اعضای شورا باید دارای شرایط زیر باشند:

[بند (۱) ماده (۶) به شرح زیر اصلاح می شود:]

۱- متدین به دین مبین اسلام و مذهب رسمی کشور

تبصره- در مواردی که کلیه طرفین دعوی از پیروان سایر مذاهب مصرح در اصل

دوازدهم (۱۲) قانون اساسی باشند، تدین به دین مبین اسلام کفایت می کند.

۲- ...

[بند (۴) ماده (۶) به شرح زیر اصلاح می شود:]

۴- دیانت و امانت و صحت عمل و اشتهار به آنها

۵- ...

[تبصره (۳) ماده (۶) به شرح زیر اصلاح می شود:]

تبصره ۳- برای عضویت در شورا، دارندگان مدرک حوزوی و یا دارندگان مدرک

دانشگاهی در رشته های حقوق یا الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در

اولویت هستند و حداقل یک نفر از اعضای شعب شهری شورا باید از میان دارندگان

مدارک تحصیلی یادشده باشد.

۱. ماده (۵) مکرر مقصود بوده است و عبارت دارای اشکال عبارتی است.

■ دیدگاه ابهام

حکم مقرر شده در تبصره‌ی الحاقی به بند (۱) در خصوص امکان عضویت اقلیت‌های مذهبی در شوراهای حل اختلاف جهت رسیدگی به پرونده‌های اقلیت‌ها، از حیث رعایت اصل (۱۲) قانون اساسی واجد ابهام است؛ توضیح اینکه مطابق اصل مزبور، اعمال فقه مذاهب حنفی، حنبلی، شافعی و زیدی صرفاً در حوزه‌ی «احوال شخصیه و دعاوی مربوط به آن» پذیرفته شده است. حال آنکه مقصود قانون‌گذار از حکم پیش‌گفته روشن نیست و چه بسا از آن، چنین استنباط شود که رسیدگی به کلیه‌ی دعاوی اقلیت‌های مذهبی ولو موارد خارج از احوال شخصیه را مطابق با فقه خودشان تجویز کرده است. بنابراین حکم این تبصره واجد ابهام است.

■ عدم مغایرت

الف) قانون‌گذار در بند (۱) پیشین این ماده در مقام بیان شرایط اعتقادی اعضای شورا، تنها «تدین به دین مبین اسلام» را مقرر داشته بود. اطلاق شرط مذکور در مواردی که یکی از اطراف دعوا از پیروان مذهب رسمی کشور باشد، مقید به اعتقاد عضو شورا به مذهب رسمی کشور نشده بود و از این حیث فقیهان شورا آن را مغایر با موازین شرعی تشخیص دادند. حال قانون‌گذار در بند (۱) اصلاحی به این شرط تصریح کرده است و به موجب تبصره‌ی آن، این شرط تنها در مواردی که کلیه‌ی اطراف دعوا از اقلیت‌های مذهبی باشند، منتفی است. بنابراین با توجه به تصریح مذکور قانون‌گذار، اشکال شرعی فوق منتفی شده است.

ب) قانون‌گذار در بند (۴) سابق، صرفاً اشتهار افراد به دیانت و امانت را از شرایط عضو شورا دانسته بود. در حالی که در مواردی علی‌رغم اشتهار افراد به دیانت و امانت، عدم وجود واقعی این شرایط در آنها محرز است. در نتیجه فقیهای شورا اطلاق حکم فوق را خلاف

موازین شرع شناختند. حال که مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ی اصلاحی، «دیانت و امانت» را مستقل از «اشتہار به آنها» شرط کرده است، اشکال فوق منتفی است.

■ دیدگاه عدم ابهام

الف) دقت در متن اصل (۱۲) قانون اساسی نشان می‌دهد که بحث مطرح شده در این اصل در خصوص امکان اجرای فقه حنفی، حنبلی، شافعی و زیدی در حوزه‌ی احوال شخصیه، مربوط به دادگاه‌ها و دعاوی مطرح در محاکم است. بنابراین با توجه به اینکه احکام مصوبه‌ی حاضر به دنبال ایجاد صلح و سازش از طریق مرجع غیرقضایی شوراهای حل اختلاف است، حکم اصل (۱۲) منصرف از احکام این مصوبه است. بنابراین وجهی برای تصور ابهام نسبت میان تبصره‌ی الحاقی به بند (۱) با اصل (۱۲) قانون اساسی محتمل نیست.

ب) حکم تبصره (۳) سابق این ماده، دارندگان مدارک حوزوی در برخی از رشته‌ها مانند حقوق را در اولویت عضویت در شورا قرار داده بود. اما نظر به اینکه در تقسیم‌بندی مدارک حوزوی، این قبیل رشته‌ها و گرایش‌ها وجود ندارد، حکم پیش‌گفته دارای ابهام شناخته شد. قانون‌گذار در مقام رفع ابهام فوق، دارندگان مدارک حوزوی را به طور مطلق و قطع نظر از رشته و گرایش، در اولویت عضویت در شورا قرار داده است و به این ترتیب ابهام پیشین شورا برطرف شده است.

■ توضیح تذکر

مطابق حکم تبصره‌ی الحاقی بند (۱)، تنها در صورتی که «کلیه طرفین دعوی» از اقلیت‌های مذهبی باشند، ممکن است عضو شورا معتقد به مذهب رسمی کشور نباشد. اما عبارت «کلیه طرفین» از نظر معنایی صحیح نیست؛ چرا که دعاوی متشکل از «طرفین» یا «اطراف» دعوی است. بنابراین شایسته است عبارت مذکور به «کلیه‌ی طرفین یا اطراف دعوی» تغییر کند.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۶)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تذکر: ۲- در ماده (۶)، بعد از واژه «طرفین»، عبارت «یا اطراف» اضافه گردد.

■ ماده ۷-

[در ماده (۷) عبارت «مرکز وکلای قوه قضائیه» به عبارت «مرکز وکلا، کارشناسان

رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه» اصلاح می شود.]

قضات، کارکنان دادگستری، وکلای دادگستری (اعم از وکلای عضو کانون‌های وکلا

یا مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه)، کارشناسان رسمی

دادگستری و نیروهای نظامی و انتظامی و اطلاعاتی اعم از نیروهای وزارت اطلاعات،

سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حراست و حفاظت دستگاه‌های

اجرایی، صاحبان امتیاز خدمات الکترونیک قضایی و سردفتران، داوران و میانجی‌گران

در زمان اشتغال، حق عضویت در شورا را ندارند.

■ توضیح تذکر

در ماده (۷) سابق، عنوان دقیق «مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه

قضائیه» ذکر نشده بود که این امر از سوی شورای نگهبان تذکر داده شد. حال قانون‌گذار

در ماده (۷) اصلاحی به این تذکر عمل کرده است.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۱-

[ماده (۱۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

در کلیه دعاوی مالی راجع به اموال تا نصاب یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال مرجع قضایی باید به منظور ایجاد صلح و سازش پرونده را فقط برای یک بار به شورای حل اختلاف ارجاع نماید. شورای حل اختلاف موظف است تلاش کند حداکثر ظرف سه ماه بین طرفین صلح و سازش ایجاد نماید. در صورت حصول صلح و سازش، مطابق ماده (۲۴) این قانون^۱ عمل می‌شود و در صورت عدم حصول صلح و سازش پرونده به همراه گزارش اقدامات و تحقیقات انجام شده به مرجع قضایی ارسال می‌شود.

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- در پرونده‌های موضوع این ماده ابتدا پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه دادرسی دعاوی مالی در دادگستری دریافت می‌شود و به حساب درآمد اختصاصی شورا موضوع ماده (۴۳) این قانون^۲ واریز می‌گردد و در صورت عدم حصول صلح و سازش بین طرفین، پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه دادرسی باقیمانده دریافت می‌شود.

دیدگاه مغایرت

اطلاق حکم ماده (۱۱) سابق مبنی بر الزام اصحاب دعاوی در کلیه پرونده‌های مربوط به اموال منقول تا نصاب پانصد میلیون ریال به مراجعه به شوراهای حل اختلاف، از سوی

۱. ماده (۲۴) همین مصوبه: «ماده ۲۴- در اجرای مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۴) این قانون، شورا پس از دعوت خواننده یا مشتکی عنه نسبت به تشکیل جلسه اقدام و در صورت حصول سازش میان طرفین، مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌کند و پرونده در شورا بایگانی و در موارد ارجاع پرونده از مراجع قضایی، نتیجه به همراه تصویر از گزارش اصلاحی به آن مرجع ارسال می‌شود تا مرجع مزبور نسبت به مختومه کردن پرونده با دستور اداری اقدام کند.

تبصره ۱- ...»

۲. برای ملاحظه این ماده رک. به: پاورقی ذیل ماده (۵) مکرر همین گزارش.

شورای نگهبان مغایر با موازین شرعی و اصول (۳۴)، (۶۱)، (۱۵۶) و (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. حال قانون‌گذار در راستای رفع ایراد پیشین، تنها نصاب دعاوی مذکور را از پانصد میلیون ریال به یک میلیارد ریال اصلاح کرده است و در حکم ماده (۱۱) تغییر ماهوی نداده است. بنابراین با توجه به اینکه اطلاق ماده (۱۱) اصلاحی نیز اصحاب دعاوی در برخی پرونده‌ها را به مراجعه به شوراهای حل اختلاف ملزم کرده است، همچنان مغایر با شرع و اصول مذکور قانون اساسی است.

«دیدگاه عدم ابهام»

مطابق حکم ماده (۱۱) پیشین، کلیه‌ی دعاوی مالی راجع به اموال منقول تا نصاب مشخصی ابتدا به شورای حل اختلاف «ارجاع می‌شود». مقصود قانون‌گذار از عبارت «ارجاع می‌شود» از این منظر که مشخص نبود آیا افراد مستقیماً باید به شوراهای حل اختلاف رجوع کنند و یا پس از مراجعه به دادگاه عمومی، قاضی رسیدگی‌کننده باید پرونده را به شورا ارجاع دهد، روشن نبود و ماده (۱۱) سابق واجد ابهام شناخته شد. حال مجلس شورای اسلامی در اصلاحات صورت گرفته تصریح کرده است که مقصود از ارجاع پرونده‌ها در این مقرر، ارجاع از سوی قاضی دادگاه است و به این ترتیب ابهام فوق مرتفع شده است.

«نظر شورای نگهبان»

۲- در ماده (۱۱)، اطلاق مذکور در ایراد بند (۱-۶) این شورا، علی‌رغم اصلاح به عمل آمده کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۱۳-

[ماده (۱۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

اتخاذ تصمیم در موارد زیر در صلاحیت شورا است:

۱- صدور گواهی حصر وراثت در مواردی که موضوع مورد اختلاف بین وراث

نباشد.

۲- تأمین دلیل

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- تصمیمات موضوع این ماده قابل اعتراض نزد دادگاه عمومی همان حوزه

قضایی است.

■ دیدگاه مغایرت

اطلاق حکم ماده (۱۳) سابق مبنی بر اتخاذ تصمیم شورای حل اختلاف در خصوص مواردی همچون حصر وراثت و تأمین دلیل، نسبت به مواردی که متضمن منازعه و اختلاف قضایی باشد، از سوی شورا خلاف موازین شرعی و اصول (۳۴)، (۶۱)، (۱۵۶) و (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. حال قانون‌گذار در مقام رفع این اشکال، تنها در بند (۱) ماده (۱۳) به قید «در مواردی که موضوع مورد اختلاف بین وراثت نباشد» تصریح کرده است و صلاحیت بند (۲) شورا در خصوص «تأمین دلیل» را به طور مطلق بیان کرده است. بنابراین اطلاق صلاحیت شورای حل اختلاف در خصوص تأمین دلیل در مواردی که موضوع مورد اختلاف باشد، با توجه به اینکه ممکن است از آن صلاحیت انحصاری شورای حل اختلاف و نفی صلاحیت دادگاه در خصوص تأمین دلیل و الزام دادگاه به معتبر شناختن تأمین دلیل شورا برداشت شود، همچنان واجد اشکال مغایرت شرعی و قانون اساسی فوق است.

■ دیدگاه عدم مغایرت

اشکال سابق شورای نگهبان در خصوص مغایرت اطلاق ماده (۱۳) با موازین شرع و اصول

(۳۴)، (۶۱)، (۱۵۶) و (۱۵۸) قانون اساسی، با توجه به اصلاحات انجام شده برطرف شده است؛ توضیح آنکه اولاً قانون‌گذار در تبصره (۲) اصلاحی تصریح کرده است که تصمیمات شورای حل اختلاف در خصوص حصر وراثت و تأمین دلیل، قابل اعتراض نزد محاکم عمومی است که نشان از امکان رسیدگی قضایی نسبت به دو صلاحیت مذکور در صورت اعتراض افراد است. ثانیاً در بند (۱) ماده (۱۳) قید «در مواردی که موضوع مورد اختلاف بین وراثت نباشد» را اضافه کرده است تا روشن شود صلاحیت این شورا در مورد حصر وراثت محدود به مواردی است که با توجه به عدم منازعه، رسیدگی قضایی ضرورت ندارد. ثالثاً مقصود از «تأمین دلیل» که به موجب بند (۲) در صلاحیت شورا قرار گرفته است، تأمین دلیل ابتدایی و قبل از حدوث منازعه و طرح دعوا در محاکم قضایی است. بدیهی است که در چنین فرضی رسیدگی قضایی و تأمین دلیل از سوی دادگاه ضرورت ندارد. ضمن اینکه به تصریح ماده (۱۴۹) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)^۱، تأمین دلیل از اختیارات دادگاه شمرده شده است و تجویز تأمین دلیل از سوی شورا نافی صلاحیت دادگاه در این خصوص نیست. همچنین مطابق ماده (۱۵۵) قانون مذکور^۲، حتی تشخیص درجه‌ی اعتبار تأمین دلیلی که زیر نظر دادگاه صورت گرفته است در نهایت با قاضی رسیدگی‌کننده است و بدون شک دادگاه ملزم به معتبر شناختن تأمین دلیل شوراهای حل اختلاف نخواهد بود. بنابراین با توجه به اصلاحات فوق‌الذکر، اشکال سابق شورا مرتفع شده است.

۱. ماده (۱۴۹) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۴۹- در مواردی که اشخاص ذی‌نفع احتمال دهند که درآینده استفاده از دلایل و مدارک دعوای آنان از قبیل تحقیق محلی و کسب اطلاع از مطلعین و استعلام نظر کارشناسان یا دفاتر تجاری یا استفاده از قرائن و امارات موجود در محل و یا دلایلی که نزد طرف دعوا یا دیگری است، متعذر یا متعسر خواهد شد، می‌توانند از دادگاه درخواست تأمین آنها را بنمایند.»

۲. ماده (۱۵۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵۵- تأمین دلیل برای حفظ آن است و تشخیص درجه ارزش آن در موارد استفاده، با دادگاه می‌باشد.»

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۱۳)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۴-

[در ماده (۱۴) عبارت «مگر آنکه هر یک از طرفین پرونده مخالفت صریح خود را با آن اعلام کنند.» حذف می‌شود و تبصره این ماده به شرح زیر اصلاح می‌شود:]
در کلیه جرایم قابل گذشت (به استثنای مواردی که متهم متواری یا مجهول‌المان است)، اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی و حقوقی که به‌طور مستقیم در مراجع قضایی طرح می‌شود، مقام رسیدگی کننده و اجراءکننده و همچنین مقام ارجاع قبل از ارجاع پرونده به شعبه و ثبت آن، پس از اتخاذ تصمیم در خصوص امور فوری، می‌توانند حسب مورد با توجه به کیفیت موضوع و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش و با لحاظ ترتیباتی جهت حفظ ادله جرم، جلوگیری از فرار متهم و رعایت حقوق شاکی، نظم عمومی و در صورت ضرورت انجام تحقیقات لازم، پرونده را با ذکر دلیل به شورا ارجاع نمایند.

تبصره- مقام رسیدگی کننده و اجراءکننده و همچنین مقام ارجاع قبل از ارجاع پرونده به شعبه و ثبت آن، مکلفند قبل از ارجاع پرونده به شورا از عدم مخالفت طرفین پرونده با ارجاع پرونده به شورا اطمینان حاصل کنند و شورا قبل از شروع به رسیدگی پرونده‌های موضوع این ماده طرف یا طرفین پرونده را از حق مخالفت با ارجاع پرونده به شورا مطلع سازد.

■ دیدگاه عدم ابهام

حکم ماده (۱۴) سابق در خصوص امکان «مخالفت صریح» هر یک از طرفین پرونده با

ارجاع موضوع به شورای حل اختلاف، از این حیث که مقصود قانون‌گذار از قید «صریح» در مورد مخالفت اصحاب دعوی روشن نبود، واجد ابهام تشخیص داده شد. حال که قانون‌گذار در اصلاحات این ماده به کلی عبارت مذکور را حذف کرده است و ارجاع پرونده به شوراها را در تبصره‌ی اصلاحی مقید به «عدم مخالفت» طرفین کرده است، ابهام مذکور موضوعاً منتفی است.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۱۴)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد.

[ماده (۱۸) حذف می‌شود.]

■ دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان ماده (۱۸) سابق را مبنیاً بر ایرادات مواد (۱۱) و (۱۳) سابق، خلاف موازین شرع و مغایر اصول قانون اساسی شناخته بود. حال که قانون‌گذار در مصوبه‌ی اصلاحی ماده (۱۸) را حذف کرده است، اشکال فوق نیز منتفی شده است.

■ نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۱۸)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

■ ماده ۲۱-

رسیدگی در شورا تابع تشریفات آیین دادرسی نیست، لیکن از حیث اصول و قواعد،

تابع مقررات قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری است.

[تبصره‌های (۱) و (۲) ماده (۲۱) حذف می‌شود.]

■ دیدگاه ابهام

حکم ماده (۲۱) و تبصره (۱) و (۲) سابق آن، میان دو مفهوم «اصول و قواعد دادرسی» و «تشریفات دادرسی» تمایز قائل شده بود. شورا با توجه به ذکر تمثیلی مصادیق این دو مفهوم با عبارت «و مانند آن» در تبصره (۱) و (۲) سابق، وجه تمایز آنها از یکدیگر را واجد ابهام اعلام کرد. حال قانون‌گذار در مقام اصلاح این ماده، به کلی تبصره‌های (۱) و (۲) آن را حذف کرده است و هیچ اصلاحی در صدر ماده به عمل نیاورده است. بنابراین با وجود اصلاح مذکور، همچنان ابهام سابق شورا در مورد تمایز دقیق مصادیق دو مفهوم «اصول و قواعد دادرسی» و «تشریفات دادرسی» واجد ابهام است. با عنایت به عدم حضور قاضی در ترکیب جدید شوراهای حل اختلاف و تجویز عضویت اشخاص غیرحقوقدان در آن، لازم است مصادیق دو اصطلاح حقوقی فوق به دقت از یکدیگر تمیز داده شود؛ برای مثال مصادیق «تشریفات رسیدگی» احصاء و دیگر موارد مصداق «اصول و قواعد دادرسی» معرفی شود.

■ نظر شورای نگهبان

۳- در ماده (۲۱)، علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، ابهام سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.

■ ماده ۲۲-

[ماده (۲۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

طرفین دعوا می‌توانند شخصاً در شورا حضور یافته یا از وکیل دادگستری استفاده نمایند. در موارد صلح و سازش استفاده از وکیل مدنی نیز مجاز است.

«دیدگاه عدم ابهام»

حکم ذیل این ماده در خصوص اینکه در موارد صلح و سازش استفاده از وکیل مدنی مجاز شده است، از حیث روشن نبودن موارد غیر صلح و سازشی که در صلاحیت رسیدگی شوراهای حل اختلاف است، واجد ابهام شناخته شده بود. همچنین با توجه به اینکه در صدر ماده‌ی سابق عبارت «دادگستری» در پرانتز و در کنار کلمه‌ی «وکیل» به کار رفته بود، وجه تمایز حکم صدر در خصوص استفاده از وکیل (دادگستری) و حکم ذیل در مورد استفاده از وکیل مدنی نیز روشن نبود. اما اکنون با توجه به اصلاحات صورت گرفته در این مصوبه روشن شده است شوراهای حل اختلاف امکان رسیدگی به برخی موارد غیر از صلح و سازش همچون صدور گواهی حصر وراثت (به استناد بند (۱) ماده (۱۳)) را دارند. همچنین با توجه به اصلاح صورت گرفته در ماده (۲۲) و اصلاح عبارت صدر این ماده به «وکیل دادگستری» و افزودن کلمه‌ی «نیز» در ذیل آن، مقصود مقنن مبنی بر حضور وکیل دادگستری در موارد غیر صلح و سازش و حضور وکیل دادگستری یا مدنی در موارد صلح و سازش، روشن شده است. بنابراین ابهامات سابق شورا در خصوص این ماده برطرف شده است.

«نظر شورای نگهبان»

ماده (۲۲)، پس از اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۳-

[ماده (۲۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

هزینه رسیدگی شوراهای حل اختلاف در کلیه مراحل، در دعاوی کیفری و دعاوی

حقوقی غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی هزینه

دادرسی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه دادرسی در محاکم دادگستری است.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در ماده (۲۳) سابق، هزینه‌ی دادرسی در شوراهای حل اختلاف را چه در دعاوی مالی و چه در دعاوی غیرمالی، مطابق هزینه‌ی دعاوی غیرمالی محاکم دادگستری مقرر کرده بود. این در حالی بود که ماده (۲۳) لایحه‌ی تقدیمی دولت،^۱ هزینه‌ی دادرسی را در دعاوی مالی معادل یک‌چهارم هزینه طرح دعوا در محاکم دادگستری قرار داده بود. شورا حکم ماده (۲۳) سابق را از حیث کاهش درآمدهای عمومی، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی تشخیص داد. حال قانون‌گذار در اصلاحات این ماده، هزینه‌ی دادرسی را «در دعاوی کیفری و دعاوی حقوقی غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه دادرسی در محاکم دادگستری» یعنی حتی بیشتر از مبلغ مقرر شده در لایحه‌ی دولت تعیین کرده است. البته هزینه‌ی دادرسی مذکور، دقیقاً معادل هزینه‌ی مقرر شده در ماده (۲۳) قانون فعلی^۲ است. بنابراین با توجه به

۱. ماده (۲۳) لایحه‌ی شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۹/۸/۲۵ هیئت وزیران: «ماده ۲۳- هزینه دادرسی شورا مطابق با هزینه غیرمالی محاکم دادگستری است، مگر در دعاوی موضوع بند (۱) ماده (۱۲) این قانون که خواهان مکلف به پرداخت بیست و پنج درصد (۲۵٪) از هزینه دادرسی در دعاوی مربوط است.»

۲. ماده (۲۳) قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۶ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۳- هزینه رسیدگی شورای حل اختلاف در کلیه مراحل، در دعاوی کیفری و غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) آن است. رسیدگی به دعاوی مشمول ماده (۸) این قانون بدون هزینه دادرسی است.

اصلاح صورت گرفته در این مقرر، اشکال پیشین شورای نگهبان مرتفع شده است.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۲۳)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۴ - ...

تبصره ۱ - ...

[در تبصره (۴) ماده (۲۴) عبارت «دارای سند رسمی» بعد از عبارت «اموال غیرمنقول» اضافه و یک تبصره به عنوان تبصره (۵) به ماده مذکور به شرح زیر الحاق می شود:]

تبصره ۴ - مراجع قضایی و شوراها و میانجی‌گران و داوران مکلفند در خصوص دعوی راجع به اموال غیرمنقول دارای سند رسمی، پس از تصدیق سند رسمی و در همه دعاوی و شکایات در تنظیم گزارش اصلاحی و یا صورت مجلس سازش، هویت طرفین را احراز نموده و مالکیت افراد را از مراجع رسمی مربوطه استعلام نمایند. چنانچه در مدارک هویتی ارائه شده طرفین یا یکی از طرفین تردید حاصل شود از سوی مرجع رسمی مربوطه تصدیق می‌گردد. در صورتی که خواهان ذی‌نفع یا ذی‌سمت در دعوی نباشد، مراجع مزبور مکلفند از پذیرش آن خودداری نمایند و در صورت وارد نبودن دعوی نسبت به خوانده مراتب در صورت جلسه قید و اگر پرونده مستقیماً در شورا مطرح شده باشد، بایگانی می‌شود.

تبصره ۵ - رسیدگی به دعوی راجع به اموال غیرمنقول که فاقد سند رسمی هستند،

صرفاً در صلاحیت مرجع صالح قضایی است.

■ دیدگاه عدم ابهام

مجلس شورای اسلامی در تبصره (۴) سابق این ماده مقرر کرده بود مراجع قضایی، شوراها، میانجی‌گران و داوران در خصوص دعاوی راجع به اموال غیرمنقول، مکلف به تصدیق اسناد رسمی هستند و نسبت به بیان حکم دعاوی راجع به اموال غیرمنقول که فاقد سند رسمی هستند، اما مالکیت نسبت به آن اموال از طریق اسناد عادی دارای اعتبار شرعی به اثبات می‌رسد، سکوت کرده بود. شورای نگهبان این سکوت قانون‌گذار را از این حیث که ممکن بود از آن عدم اعتبار این قبیل از اسناد عادی مستفاد شود، واجد ابهام شناخت. حال در جهت رفع این ابهام، تصریح شده است که حکم تبصره (۴) مختص «اموال غیرمنقول دارای سند رسمی» است و قانون‌گذار در تبصره (۵) الحاقی در خصوص «اموال غیرمنقول که فاقد سند رسمی هستند» تعیین تکلیف کرده است. بنابراین با توجه به اصلاح فوق، ابهام پیشین شورا منتفی شده است.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۲۴)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

■ ماده ۲۵ - ...

[تبصره (۱) ماده (۲۵) حذف شد.]

■ دیدگاه عدم مغایرت

اطلاق حکم تبصره (۱) سابق مبنی بر منشأ اثر نبودن اظهارات طرفین در صورت عدم حصول صلح و سازش، از سوی فقیهان شورای نگهبان خلاف موازین شرع شناخته شد.

اما نظر به اینکه در اصلاحات این مصوبه تبصره (۱) به کلی حذف شده است، اشکال سابق شورا بلا موضوع شده است.

■ نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف تبصره (۱) ماده (۲۵)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

■ ماده ۲۷-

[در ماده (۲۷) عبارت «مطابق ضوابط قانونی» بعد از کلمه «می تواند» اضافه می شود.]

رئیس شورا شخصاً یا از طریق یکی از اعضاء، علاوه بر رسیدگی به دلایل طرفین، می تواند مطابق ضوابط قانونی تحقیق محلی، معاینه محل و تأمین دلیل را انجام دهد.

■ دیدگاه عدم ابهام

ماده (۲۷) سابق امکان تحقیق محلی، معاینه‌ی محل و تأمین دلیل را از طریق کارکنان شوراهای حل اختلاف مقرر می کرد. اما از این حیث که مشخص نبود این حکم مقید به رعایت ضوابط شرعی و قانونی تجویز شده است یا خیر، از سوی شورا واجد ابهام اعلام شد. حال که در مقرره‌ی اصلاحی به «مطابق ضوابط قانونی» امور فوق تصریح شده است، وجهی برای ابهام سابق باقی نمی ماند.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۷)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۹ - ...

تبصره ۱ - ...

[تبصره (۲) ماده (۲۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

تبصره ۲ - مهلت اعتراض طرفین پرونده به تصمیم شورا با لحاظ جهات عذر موجه

مذکور در ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی

مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج

از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ است.

[تبصره (۳) ماده (۲۹) حذف می‌شود.]

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در تبصره (۲) سابق این ماده، به نحو مطلق مهلت اعتراض به تصمیمات شورا را بیست روز یا دو ماه در نظر گرفته بود. فقهای شورای نگهبان اطلاق مهلت‌های فوق نسبت به موارد عذر موجه را مغایر با موازین شرعی شناختند. اکنون قانون‌گذار در راستای تأمین نظر شورای نگهبان، در تبصره (۲) اصلاحی به «لحاظ جهات عذر موجه» در این مهلت‌ها تصریح کرده است. بنابراین با توجه به اصلاح مذکور، اشکال

۱. ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۰۶ - مهلت وخواهی از احکام غیابی برای کسانی که مقیم کشورند بیست روز و برای کسانی که خارج از کشور اقامت دارند دو ماه از تاریخ ابلاغ واقعی خواهد بود مگر اینکه معترض به حکم ثابت نماید عدم اقدام به وخواهی در این مهلت به دلیل عذر موجه بوده است. در این صورت باید دلایل موجه بودن عذر خود را ضمن دادخواست وخواهی به دادگاه صادرکننده رأی اعلام نماید. اگر دادگاه ادعا را موجه تشخیص داد قرار قبول دادخواست وخواهی را صادر و اجرای حکم نیز متوقف می‌شود. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌گردد:

۱- مرضی که مانع از حرکت است.

۲- فوت یکی از والدین یا همسر یا اولاد.

۳- حوادث قهریه از قبیل سیل، زلزله و حریق که بر اثر آن تقدیم دادخواست وخواهی در مهلت مقرر ممکن نباشد.

۴- توقیف یا حبس بودن به نحوی که نتوان در مهلت مقرر دادخواست وخواهی تقدیم کرد.

تبصره ۱- ...»

شرعی پیشین منتفی شده است.

■ نظر شورای نگهبان

تبصره (۲) ماده (۲۹)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

■ ماده ۳۰ -

[در ماده (۳۰) عبارت «مطابق قوانین و مقررات جاری کشور» بعد از عبارت «واحد اجرای احکام شورا» اضافه و تبصره (۱) به شرح زیر اصلاح و تبصره (۲) آن حذف می شود.]

گزارش اصلاحی و تصمیم به درخواست ذی نفع و به دستور رئیس شورای حل اختلاف در حوزه قضایی مربوط توسط واحد اجرای احکام شورا مطابق قوانین و مقررات جاری کشور اجرا می شود. اجرای گزارش اصلاحی صادر شده از شوراهای فاقد واحد اجرا، بر عهده نزدیکترین واحد اجرا است.

تبصره - گزارش اصلاحی پس از صدور برگ اجرائیه مطابق قوانین و مقررات جاری کشور اجراء می شود. در صورتی که اجرای گزارش اصلاحی مستلزم اجرای ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام^۱ یا مستلزم اجرای یکی از مواد (۱۶۶) و (۱۶۷) قانون اجرای احکام مدنی مصوب

۱. ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۳- اگر استیفای محکوم به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می شود. چنانچه محکوم علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود. تبصره ۱- ...»

۱۳۵۶/۸/۱ - باشد، اجرای گزارش اصلاحی توسط واحد اجرای احکام مرجع قضایی

همان حوزه قضایی انجام می‌شود.

[تبصره (۲) حذف می‌شود.]

دیدگاه مغایرت

حکم تبصره (۱) سابق این ماده مبنی بر تسری اجرای ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به شوراهای حل اختلاف، با توجه به اینکه ماده (۳) به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است و زمان چندانی نیز از تصویب آن سپری نشده است، توسعه‌ی قلمرو آن از سوی مجلس شورای اسلامی، مغایر با نظریه‌ی تفسیری ذیل اصل (۱۱۲) قانون اساسی^۲ شناخته شد. حال قانون‌گذار در مصوبه‌ی اصلاحی نیز همچنان تعمیم ماده (۳) به گزارش‌های اصلاحی صادره از شوراهای حل اختلاف را مقرر کرده است و تنها مرجع

۱. مواد (۱۴۶) و (۱۴۷) قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱ مجلس شورای ملی: «ماده ۱۴۶- هرگاه نسبت به مال منقول یا غیرمنقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث اظهار حقی نماید اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است توقیف رفع می‌شود در غیر این صورت عملیات اجرائی تعقیب می‌گردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرائی و اثبات ادعای خود می‌تواند به دادگاه شکایت کند.

ماده ۱۴۷- شکایت شخص ثالث در تمام مراحل بدون رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می‌شود. مفاد شکایت بطرفین ابلاغ می‌شود و دادگاه بدلائل شخص ثالث و طرفین دعوی به هر نحو و در هر محل که لازم بداند رسیدگی می‌کند و در صورتیکه دلائل شکایت را قوی یافت قرار توقیف عملیات اجرائی را تا تعیین تکلیف نهایی شکایت صادر می‌نماید.

در این صورت اگر مال مورد اعتراض منقول باشد دادگاه می‌تواند با اخذ تأمین مقتضی دستور رفع توقیف و تحویل مال را به معترض بدهد. به شکایت شخص ثالث بعد از فروش اموال توقیف شده نیز به ترتیب فوق رسیدگی خواهد شد.

تبصره- ...»

۲. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان ذیل اصل (۱۱۲) قانون اساسی: «هیچ یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بوده مجلس پس از گذشت زمان معتدب به تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

اجرای آن را به «واحد اجرای احکام مرجع قضایی» تغییر داده است. بنابراین با وجود تغییر صورت گرفته در تبصره (۱)، همچنان اشکال سابق شورای نگهبان به قوت خود باقی است.

■ دیدگاه ابهام

مجلس شورای اسلامی در تبصره (۲) سابق، به مواد (۱۴۶) و (۱۴۷) قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ اشاره کرده بود. فقیهان شورای نگهبان مواد مذکور را از لحاظ شرعی دارای ابهاماتی دانستند و در نتیجه ارجاع به آن مواد را مبنیاً واجد ابهام تشخیص دادند. حال مجلس شورای اسلامی در اصلاحات صورت گرفته به کلی تبصره (۲) را حذف کرده است، اما در تبصره (۱) اصلاحی مجدداً به «اجرای یکی از مواد (۱۴۶) و (۱۴۷) قانون اجرای احکام مدنی» اشاره کرده است. بنابراین علی‌رغم اصلاح صورت گرفته در این ماده، همچنان ابهام فوق پابرجا است.

■ نظر شورای نگهبان

۴- در ماده (۳۰)،

۴-۱- ایراد سابق مذکور در بند (۱-۱۷) نظر این شورا، کماکان به قوت خود باقی است.

۴-۲- ابهام مذکور در بند (۲-۱۷) نظر این شورا، کماکان به قوت خود باقی است.

■ ماده ۳۳ - ...

[تبصره (۱) ماده (۳۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

تبصره ۱- اعضای قاضی هیئت با پیشنهاد رئیس مرکز و حکم رئیس قوه قضائیه و سایر

اعضای هیئت، با حکم رئیس مرکز برای مدت سه سال منصوب می‌شوند و انتصاب

مجدد آنان بلامانع است.

تبصره ۲- ...

■ دیدگاه عدم مغایرت

حکم تبصره (۱) سابق ماده (۳۳) در خصوص انتصاب قضات عضو هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات استانی با حکم رئیس مرکز حل اختلاف، از سوی شورای نگهبان مغایر با اختیارات مصرح رئیس قوه قضائیه در بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. حال مجلس شورای اسلامی در راستای تأمین نظر شورای نگهبان، مقرر کرده است قضات عضو هیئت مذکور «با پیشنهاد رئیس مرکز و حکم رئیس قوه قضائیه» نصب شوند. بنابراین با توجه به اصلاحات فوق، اشکال سابق شورا برطرف شده است.

■ نظر شورای نگهبان

تبصره (۱) ماده (۳۳)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

■ ماده ۳۴-

[بندهای (۱۴)، (۱۵)، (۲۳)، (۲۴)، (۲۴) و (۳۴) ماده (۳۴) حذف می‌شود و بندهای

(۷)، (۱۰) و (۲۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ارتکاب موارد زیر توسط اعضا، کارکنان و نیروهای اداری شورا که رابطه استخدامی

با شورا ندارند، تخلف محسوب می‌شود:

۱- ...

۷- غیبت غیرموجه سه جلسه به صورت متوالی یا پنج جلسه به صورت متناوب در

طول یک ماه، تکرار در تأخیر ورود به محل کار یا تکرار در تعجیل خروج از آن

بدون کسب مجوز

... ۸-

۱۰- أخذ هرگونه وجه، مال یا امتیاز در قبال اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم به نفع یکی از طرفین دعوی و گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده یا أخذ هرگونه مالی که در عرف رشوه خواری تلقی می شود.

... ۱۱-

۲۸- هر نوع سوء استفاده و استفاده غیرمجاز از شئون یا موقعیت شغلی در شورا و

امکانات و اموال شورا

... ۲۹-

■ توضیح تذکر

مفاد برخی از بندهای ماده (۳۴) سابق، تکراری و بند (۳۴) آن (در خصوص همکاری با ساواک) نیز در زمان حاضر فاقد تصور بود. این موضوع در قالب تذکر از سوی شورای نگهبان اعلام شد. در مصوبه‌ی اصلاحی این تذکر مطمح نظر قانون‌گذار قرار گرفته و بندهای فوق‌الذکر حذف شده است.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۳۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

■ ماده ۴۲-

[در ماده (۴۲) عبارت «مرکز وکلای قوه قضائیه» به عبارت «مرکز وکلا، کارشناسان

رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه» اصلاح می شود.]

چنانچه عضو شورا در آزمون وکالت دادگستری (اعم از کانون‌های وکلا و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه) یا کارشناس رسمی دادگستری پذیرفته شود و حسن سابقه در شورا او در شورا به تأیید رئیس کل دادگستری استان برسد، مدت کارآموزی وی در هر یک از این موارد به شرح زیر تقلیل می‌یابد:

۱- ...

تبصره- ...

■ توضیح تذکر

در ماده (۴۲) سابق، عنوان دقیق «مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه» ذکر نشده بود که شورای نگهبان این امر را به مجلس متذکر شد. اکنون قانون‌گذار در ماده (۴۲) اصلاحی به این تذکر عمل کرده است.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۴۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۷۹/۴/۲۸):

«... شما استدلال دارید، اما این استدلال برای مجلس، گاهی معلوم نیست، گاهی برای مجمع تشخیص هم درست معلوم نیست، ... در حالی که خوب است در متن آن حکم اشاره‌ای به استدلال بشود و در یک محل یا جداگانه آن استدلال به تفصیل نوشته بشود.»



پژوهشکده شورای نگهبان

گزارش استدلالی

پژوهشکده شورای نگهبان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی،
کوچه شهید دهقانی‌نیا، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۴۵

نمابر: ۰۲۱-۶۴۰۱۴۸۱۷

www.shora-rc.ir
nashr@shora-rc.ir